



واکاوی گزارش‌ها دربارهٔ دفن

امامزاده حسین بن موسی (علیه السلام) در شیراز

دریافت: ۱۳۹۸/۵/۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۸

محمد باقری^۱، حمیدرضا ثنائی^۲

چکیده

از سده‌های نخستین هجری، ایران مقصد شمار فراوانی از امامزادگان بوده است و بارگاه‌های بسیاری در مناطق مختلف این سرزمین به چشم می‌خورد که به ایشان منسوب است. در این میان، امامزادگانی وجود دارند که بیش از یک بارگاه به آنان منسوب است؛ از آن جمله، امامزاده حسین بن موسی بن جعفر، برادر امام رضا (علیه السلام) است که به ادعای برخی منابع به دنبال ولایت‌عهدی برادرش همراه با گروهی از سادات و دیگر برادرش، احمد، راهی ایران شده بود. در میان جایگاه‌های متعدد منتسب به وی، دو دیدگاه ناظر به دفن او در طیس و شیراز شهرت بیشتری دارد. هدف این پژوهش واکاوی و بازنگری روایات مربوط به دفن این امامزاده در شیراز است و در این راه، از شیوه توصیفی تحلیلی بهره گرفته شده است. با توجه به آنکه گزارش‌های موجود به منابع متأخر، یعنی سده‌های ۸-۱۴ قمری بازمی‌گردد و از سوی دیگر، اشکالات متعددی که در آن‌ها مشاهده می‌شود، خطاست که حسین بن موسی در شمار همراهان احمد بن موسی دانسته و شهر شیراز نیز به عنوان محل دفن او پنداشته شود.

کلیدواژه‌ها: امامزادگان، حسین بن موسی، احمد بن موسی، شیراز.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران: m84bagheri@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول): hr.sanaei@um.ac.ir

مقدمه

امامزادگان فراوانی در ایران آرمیده‌اند و بارگاه‌های کوچک و بزرگ و گاه باشکوهی در مناطق مختلف این سرزمین به ایشان منسوب است. انتساب این بارگاه‌ها به امامزادگان مد نظر در میان اهل تحقیق همیشه سؤال برانگیز و قابل تأمل بوده و گاه با تردید مواجه شده است. تعدد بارگاه‌های منسوب به برخی از ایشان بر سؤال‌ها و تردیدها در این باره می‌افزاید و بر طرح این سؤالات و تردیدها مهر صحت می‌زند. یکی از امامزادگان بنام که آرامگاه‌های متعددی را در نواحی گوناگون ایران به او نسبت می‌دهند، حسین بن موسی بن جعفر (علیه السلام)، فرزند امام هفتم (علیه السلام) شیعیان، است. فارغ از حکایت زندگانی وی که چندان روشن نیست و نیاز به پژوهش جدی دارد، با توجه به تعدد آرامگاه‌های منسوب به وی، طبیعی است که پرسش درباره صحت انتساب این بارگاه‌ها هر ذهن جست‌وجوگری را به خود جلب کند؛ از عامیانی که به زیارت بارگاه‌های منسوب به او می‌روند و اهل نظری که به پژوهش درباره سرگذشت امامزادگان می‌پردازند.

از دیدگاه‌های مطرح در این زمینه، نظریه دفن حسین بن موسی بن جعفر (علیه السلام) در شیراز است. صاحبان این دیدگاه قبری را در نزدیکی آرامگاه احمد بن موسی (علیه السلام) در شیراز به آرامگاه حسین، برادرش، منسوب می‌کنند. در حالی که منابع متقدم درباره دفن وی در شیراز اطلاعاتی هر چند مختصر به دست نمی‌دهند. منابع اطلاعات موجود در این زمینه نیز از تاریخ‌های عمومی، محلی، جغرافیایی گرفته تا منابع حدیثی و انساب، همه پس از سده ۸ قمری به نگارش درآمده‌اند. شیرازنامه (ابن زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹۹)، تذکره هزار مزار (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۰۶)، تاریخ گزیده (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴) و نزهة القلوب (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۶) در سده‌های ۸ و ۹ قمری و بحار الانوار (مجلسی، ۱۳۳۹، ج ۴۸: ۳۱۲) در سده ۱۱ قمری و بحر الانساب (ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۲۹۶، ج ۲: ۱۵۵ و ۱۴۶)، آثار عجم (فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۵۸ و ۷۴۵) و طرائق الحقائق (شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۴۸۴)، در سده ۱۴ قمری به اجمال یا تفصیل از دفن وی در شیراز سخن گفته‌اند.

در برخی از این منابع، داستانی نقل شده که نشان می‌دهد حسین بن موسی (علیه السلام) به همراه برادر خود، احمد، به شیراز سفر کرده و در آنجا به شهادت رسیده و به خاک سپرده شده و از همین روست که برخی از این منابع آرامگاه علاءالدین حسین در نزدیکی آرامگاه احمد بن موسی (علیه السلام) را به حسین بن موسی (علیه السلام) منسوب می‌کنند. گفتنی است که منابع متأخر بر شاخ و برگ این حکایت افزوده‌اند.

برخی معاصران نیز که به خلق آثاری درباره احمد بن موسی و برادرش، حسین پرداخته‌اند، با اعتماد به گزارش آن منابع، از دفن حسین در شیراز خبر داده‌اند. محمد حسین رستگار (۱۳۸۱) در شرح احوال و شخصیت حضرت حسین بن موسی الکاظم (علیه السلام) و دیگر امامزادگان شیراز، غلامرضا اسلامی (۱۳۸۱) در جلوه‌گاه نور: مجموعه‌ای مستند و تاریخی از شناخت شخصیت حضرت سید علاءالدین حسین معروف به آستانه و جلیل عرفان منش (۱۳۸۶) در چلچراغ شیراز؛ تحلیلی از قیام احمد بن موسی و برادران امام رضا (علیه السلام) از دیدگاه دفن حسین در شیراز تبعیت کرده‌اند و درباره آن قلم فرسوده‌اند. مقاله حاضر که رویکردی تاریخی دارد، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد از صحت و سقم این دیدگاه پرده بردارد.

در معرفی تفصیلی آثار یادشده، نویسنده جلوه‌گاه نور: مجموعه‌ای مستند و تاریخی از شناخت شخصیت حضرت سید علاءالدین حسین معروف به آستانه به بررسی اجمالی دوران امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام)، علت قیام احمد بن موسی، همراهی حسین بن موسی و شهادت وی در شیراز، تصویر او در منابع رجالی، نقل برخی از احادیث منقول از او و تاریخچه و موقوفات آرامگاه منسوب به وی پرداخته است. با آنکه غلامرضا اسلامی دیگر مزارهای منسوب به حسین بن موسی را بررسی نکرده و به واکاوی تصویر حسین بن موسی در منابع انساب نیز عنایتی نداشته، رد ۱۳ سالگی حسین در زمان شهادت از معدود مطالب نقادانه کتاب اوست^۱. محمد حسین رستگار نیز در اثر خود از آداب زیارت، فرزندان امام کاظم (علیه السلام)، بررسی اجمالی تصویر حسین بن موسی در منابع حدیثی و رجالی، آشکار شدن مدفن وی،

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱).

تاریخچه بنای بقعه، توصیف حرم و معرفی دیگر امامزاده‌های شیراز سخن گفته است. این اثر خلاصه اثر پیشین به نظر می‌رسد و تقریباً در همه موارد دنباله‌روی آن بوده است. جلیل عرفان‌منش نیز در چلچراغ شیراز به بررسی ابعاد گوناگون زندگانی احمد بن موسی (علیه السلام) پرداخته است. داستان آشکار شدن مدفن حسین در این اثر به گزارش‌های آشکار شدن مدفن برادرش، احمد در عصر اتابکان شباهت بسیاری دارد (عرفان‌منش، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

۱. نگاهی به احوال حسین بن موسی (علیه السلام)

حسین بن موسی بن جعفر (علیه السلام) نیز همانند شمار متعددی از فرزندان و نوادگان امام کاظم (علیه السلام) در ایران مدفون است. اطلاعات پراکنده و اندکی که در منابع نسبتاً متقدم رجالی و انساب درباره او نقل شده و احادیثی که از او در برخی مجامع حدیثی روایت شده، تصویری روشن از حیات وی به دست نمی‌دهد. ذکر حسین به عنوان شخصی مفقود در برخی منابع (عبیدلی، ۱۳۷۱: ۱۶۶؛ ابن طباطبای، ۱۳۷۷: ۲۱۸-۲۱۹؛ مروزی، ۱۳۶۷: ۲۱-۲۲) از زندگی پنهانی او خبر می‌دهد. بنابراین، چنین می‌نماید که او سال‌های درازی از عمر خویش را دور از چشم کارگزاران نظام خلافت به سر برده است.

احادیث منقول از حسین بن موسی در مجامع حدیثی شیعه نیز حاکی است که وی سال‌های کودکی و جوانی و تا حدودی میان‌سالی خود را در موطن خویش، مدینه، گذرانده و از محضر سه امام شیعه، امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) و امام جواد (علیه السلام) بهره‌ها برده است (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ج ۲: ۵۰۳؛ طوسی، ۱۴۰۴: ج ۲: ۷۲۸-۷۲۹؛ قرشی، ۱۴۱۳: ج ۲: ۴۱۸). با توجه به آنکه برخی منابع چنانکه گفته شد، او را مفقود خوانده‌اند، چنین می‌نماید که این امامزاده به سبب خطرانی که از جانب عباسیان وی را تهدید می‌کرد یا شرکت در یک قیام یا چیزی شبیه به آن‌ها، در میان‌سالی مدینه را ترک و حیات پنهانی خویش را آغاز کرده است.

چنانکه اجمالاً در طرح مسئله گفته شد، اکنون مواضع بسیاری در ایران مانند طبس، شیراز، قزوین، چوپار کرمان، ساری، بهبهان، دزفول و مزاری در کوفه وجود دارد که از دفن حسین بن موسی در آن‌ها سخن گفته می‌شود؛ ولی با توجه به اطلاعات برخی از آثار در زمینه انساب که از زندگی فرزندان و نوادگان او در طبس سخن به میان آورده (مروزی، ۱۳۶۷: ۲۱-۲۲) و از وجود مقبره و بارگاهی منسوب به وی در این شهر خبر داده‌اند، گویا دیدگاه مبتنی بر دفن وی در شهر طبس از اعتبار بیشتری برخوردار است. در مجموع، به نظر می‌رسد درباره زندگانی حسین بن موسی بیش از این نمی‌توان سخن گفت. به هر روی، مقاله حاضر می‌کوشد به نقد و بررسی یکی از دیدگاه‌های یاد شده بپردازد.

۳. گزارش‌ها دربارهٔ آشکارشدن پیکر حسین بن موسی (علیه السلام) در شیراز

سرنخ‌های حکایت مفصل دفن حسین بن موسی در شیراز در کتاب‌های معاصر را چنانکه اشاره شد، می‌توان در برخی آثار سده ۸ قمری یافت. شیرازنامه ابن زرکوب شیرازی (د. ۷۸۹ق) که در سال ۷۶۴ قمری تألیف شده، بدون پرداختن به ماجرای کوچ حسین بن موسی، به طور خلاصه آورده است که وی در محله باغ قتلغ از محلات شیراز مشهور به گنبد قتلغ مدفون شده و گور او در زمان سلطنت اتابک مشخص شده است. ابن زرکوب بدون اشاره به هویت کاروانیان، چگونگی جنگ و کیفیت وفات آن‌ها، تنها به چگونگی شناختن جسد احمد بن موسی اشاره کرده و درباره برادرانش، حسین و محمد،^۱ تنها از نشانه مقبره ایشان سخن گفته است (ابن زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

در کتاب شدالازار از دیگر آثار همان سده که ترجمه آن، موسوم به تذکره هزارمزار در سده بعد پدید آمد، حکایت آشکار شدن جسد حسین بن موسی با تفصیل بیشتری آمده است. در این کتاب می‌خوانیم که احمد بن موسی (علیه السلام) پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) برای نبرد با مجوسان به شیراز آمد. مؤلف پس از آن، به داستان پیدا شدن جسد علاء الدین حسین بن موسی در شیراز اشاره کرده و چنین آورده است: «قتلغ امیری از اهالی شیراز

۱. محمد رحمتی درباره همراهی محمد بن موسی با برادرش، احمد، تردید کرده است (رحمتی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۸).

بود و باغی بزرگ داشت که در میان آن، تپه‌ای وجود داشت و هر شب جمعه از آن جا نوری می‌درخشید. خبر این ماجرا که به امیر رسید، جست‌وجو کرد و هیچ کس را در آنجا نیافت. پس دستور داد آن تل را بکنند و هموار سازند. ناگاه جسدی سالم با چهره‌ای نورانی پدیدار شد که در یک دست مصحف و در دست دیگر شمشیری داشت. پس از شناسایی هویت این جسد از روی نشانه‌ها، به فرمان امیر، برای زیارت مردم، بقعه‌ای در آنجا ساخته شد» (جنیدشیرازی، ۱۳۶۴: ۳۰۶). در همان سده حمدالله مستوفی (د. ۷۵۰ق) نیز در تاریخ گزیده صرفاً از دفن حسین بن موسی در شیراز سخن گفته است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴).

با آنکه روایت شیرازنامه تفصیل چندانی ندارد، مؤلف بحارالانوار در سده ۱۱ قمری، گزارش آشکار شدن جسد حسین بن موسی در شیراز را به مؤلف آن کتاب ارجاع داده است. گزارش مجلسی در این باره به گزارش شدالازار شباهت بیشتری دارد. در بخشی از این گزارش آمده است: باغبانی که در شب، نوری در آن جایگاه می‌دید، ماجرا را به حاکم شیراز خبر داده و حاکم برای وی بقعه و بارگاهی بنا کرده است (مجلسی، ۱۳۳۹، ج ۴۸: ۳۱۲).

این حکایت حدود سه سده بعد، در سده ۱۴ قمری، در شب‌های پیشاور سلطان الواعظین شیرازی (۱۳۱۴-۱۳۹۱ق / ۱۲۷۶-۱۳۵۰ش) به شکل محسوسه‌ی شاخ و برگ یافته است. نویسنده شب‌های پیشاور منبع گزارش خود را ذکر نکرده است. بنابراین، گمان می‌رود که او به اثری ناشناخته دسترسی داشته یا داستان را از قول همشهریان مورد وثوق خویش نقل کرده است. به هر رو، «سلطان الواعظین» در جلسه اول آن کتاب، ضمن معرفی خود و خاندانش، از کوچ احمد بن موسی (علیه السلام) به شیراز و همراهی برادرش، حسین، با او چنین سخن گفته است که امام رضا (علیه السلام) پس از هجرت به مرو در نام‌های از خانواده و نزدیکان خود خواستند که به توس سفر کنند. سید امیراحمد (شاه چراغ) به اتفاق سید امیرمحمد عابد و سیدعلاءالدین حسین و بسیاری از برادرزادگان و نزدیکان که شمار آن‌ها به حدود ۱۵ هزار نفر زن و مرد می‌رسید، از طریق حجاز، کویت، بصره و اهواز و بوشهر به محلی به نام خان زنیان در هشت فرسخی شیراز رسیدند و در آن جا با لشکری ۴۰ هزار

نفری به فرماندهی قتلغ خان، حاکم شیراز، روبه‌رو شدند. در جنگی که میان دو طرف رخ داد، لشکر شیعیان شکست خورد و امامزادگان یاد شده شبانه و با لباس مبدل وارد شیراز شدند. علاء‌الدین در باغی در نزدیک قتلغ خان به عبادت مشغول بود تا این که او را یافتند و در همان جا به شهادت رساندند. قرن‌ها بعد در زمان صفویه امیری به نام قتلغ خان متوجه مزار او در این جا شد و بر قبر او بقعه‌ای ساخت (سلطان الواعظین شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۳۵).

این حکایت در بحر الانساب (ریاض الانساب) از دیگر آثار سده ۱۴ قمری با اندکی تفاوت و تفصیل کمتری آمده است. برخی تفاوت‌ها میان گزارش مندرج در این اثر و حکایت سلطان الواعظین در شب‌های پیشاور مانند شمار همراهان احمد بن موسی، فاصله میدان جنگ تا شیراز، سازنده بقعه بر قبر حسین بن موسی و زمان این رخداد از منبع متفاوت این دو اثر حکایت می‌کند. در بحر الانساب آمده است که «چون خبر ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) به برادر آن حضرت، احمد بن موسی رسید، با ۷۰۰ تن از برادران و برادرزادگان و جماعت کثیری از دوستان از مدینه حرکت کرد. در دو فرسنگی شیراز خبر شهادت امام به آن نواحی رسید و مأموران کاروان را متوقف کردند و برخی کاروانیان را از دم تیغ گذراندند. احمد پس از جنگ و گریز فراوان، چون تنها ماند به مرکز شهر آمد و سرانجام به وی حمله و او را شهید کردند. حسین بن موسی در محله باغ قتلغ شیراز پنهان شد و بعد از سه روز در حالی که بر سر نهر آب در حال گرفتن وضو بود، باغبانی او را شناخت و چند بیل بر سر وی زد و سپس بدن مبارکش را پاره پاره کرد. شب هنگام جمعی از دوستان اهل بیت قطعات بدن او را جمع و آن را دفن کردند. به ادعای نویسنده، حسین در زمان شهادت ۱۳ سال داشته است. قبر وی تا زمان اتابک شناخته نبود و پس از شناخت او، بر قبرش گنبدی بنا شد» (ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۲۹۶، ج ۲: ۱۴۶-۱۵۵).

در همان سده، مؤلف آثار عجم نیز داستانی شبیه به حکایت مفصل نویسنده شب‌های پیشاور بیان کرده و ظاهراً منبع هردو یکی بوده است. با وجود این، تفاوت‌های اندکی میان آن‌ها نیز به چشم می‌خورد. «سید امیر احمد در عهد هارون قصد شیراز کرد تا از آنجا به خراسان به خدمت برادر خود رُود. قتلغ خان از جانب مأمون مأمور شد آنان

را دستگیر کند. چون خبر ورود آنان را به شیراز شنید، به خان زینال، در هشت فرسخی شیراز، شتافت و جنگ درگرفت. در اثنای جنگ چون خبر شهادت امام رضا (علیه السلام) رسید جماعت همراه احمد به جز شمار اندکی از برادران و خویشانش، او را رها کردند و سرانجام جملگی به شهادت رسیدند. این کتاب درباره حضور حسین بن موسی (علیه السلام) در نبرد احمد بن موسی با قتلغ و چگونگی به شهادت رسیدن وی سخن نگفته و صرفاً به چگونگی پیدا شدن جسد وی اشاره کرده است. مؤلف می نویسد: در جایگاه مرتفعی از باغ حاکم شیراز نوری مشاهده می شد. به فرمان او، آن مکان را کردند و جسدی تازه یافتند که در یک دست مصحف و در دست دیگر شمشیر داشت و قتلغ خان فرمان داد مقبره‌ای در آنجا بسازند» (فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۴۵-۷۵۸). مؤلف طرائق الحقائق نیز که در سده ۱۴ قمری می زیسته، داستان باغ و باغبان و روشنایی یاد شده را ذکر کرده است (شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۴۸۴).

۴. نقد و بررسی گزارش‌ها

تفاوت‌های حکایت یادشده در آثار یاد شده و مشخص نبودن منبع متقدم آن می تواند حکایتگر جعل آن از سوی برخی از منابع محلی یا دست کم تحریف اصل گزارش در سده‌های ۷ و ۸ قمری باشد. در این گزارش‌ها اشکالات و نکات متعددی به چشم می خورد که می توان آن‌ها را در ذیل عناوینی از قبیل مهاجرت و آشکار شدن مدفن ارائه کرد.

۴-۱. مهاجرت و همراهی با سپاه احمد

۴-۱-۱. سلطان الواعظین از دعوت امام رضا (علیه السلام) از خانواده خود برای عزیمت به توس سخن گفته است. از آنجا که مرو پایتخت مأمون بود، گویا درج این موضوع در این حکایت ساخته ذهن روایت پرداز اما غیردقیق و ناآگاه راوی اصلی بوده است. این مطلب نشان

می‌دهد راوی خبر صرفاً از شهادت امام رضا (علیه السلام) در توس آگاهی داشته است.

۴-۱-۲. کوچ حسین بن موسی به فارس و همراهی او با برادرش، احمد، در هیچ منبع متقدم و حتی در منابع سده ۸ قمری ذکر نشده است.^۱ اشاره منابع سده ۸ قمری صرفاً به یافت شدن جنازه‌ای در شیراز بوده است که بر پایه آن، دفن حسین در شیراز و تعلق آن پیکر به وی را استنباط کرده‌اند. صرف نظر از دلیل منابع سده ۸ قمری ظاهراً تنها دلیل منابع متأخر در حضور حسین در کاروان احمد، وجود مزاری با نام علاءالدین حسین در نزدیکی مرقد احمد بن موسی بوده است.

۴-۱-۳. سلطان الواعظین مسیر حرکت کاروان از حجاز تا فارس را نواحی و شهرهای کویت، بصره، اهواز و بوشهر دانسته است. نمی‌توان به یقین گفت که در سده‌های نخستین هجری مسیر کاروان‌ها از حجاز تا فارس از همه این مناطق گذر می‌کرده است. افزون بر آن، با توجه به اینکه کویت و بوشهر در کنار دریا واقع‌اند، راه نمی‌تواند همزمان از این نقاط و همچنین اهواز عبور کند مگر آنکه بپذیریم کاروان مد نظر ما راه خود را به اهواز کج کرده و سپس دوباره به همان مسیر پیشین بازگشته است. از مسیر شیراز به بوشهر نیز در سده‌های متقدم هجری ذکر به میان نیامده است. تنها بخشی از ابتدای راه کنونی شیراز-بوشهر با یکی از راه‌های قدیم تطابق داشته است. از شیراز به سوی جنوب غربی دوراه وجود داشت: نخست راهی از شیراز به کازرون و از آن به دریز و سپس تُوْج وجود داشت و راه دوم مسیری بود که در میانه آن، ماصرم، جرّه، غندجان و سرانجام تُوْج قرار داشت (اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۲۸-۱۲۹؛ کرمی، بی‌تا: ۴۵۴). با توجه به موقعیت جغرافیایی بوشهر کنونی، گویا این شهر با هر دو مسیر یاد شده فاصله داشته و در جنوب و شرق آن‌ها واقع بوده است. اگر کاروان قدم به اهواز می‌گذاشت، برای رفتن به سوی شیراز باید به راه اصلی و مهم اهواز-ازجان (بهبهان در ادوار متأخرتر)-شیراز قدم می‌نهاد (ابن خردادبه، ۱۹۹۲: ۴۳-۴۴؛ ابن رسته، ۱۸۹۲: ۱۸۹-۱۹۰؛ اصطخری، ۱۹۲۷: ۱۳۳-۱۳۴؛ کرمی، بی‌تا: ۴۵۳-۴۵۵) و در این صورت، پذیرفتنی نیست که کاروان از حدود بوشهر عبور کرده باشد.

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۶).

فارغ از آنچه درباره راه‌های این حدود جغرافیایی گفته شد، اساساً نام بوشهر نخستین بار در اوایل سده ۷ق و در معجم البلدان یا قوت حموی ذکر شده است (خسروی، ۱۳۷۷: ۵۷۷). به عبارت دیگر، ذکر نشدن نام بوشهر در منابع سده‌های نخستین هجری از بی‌اهمیتی و پرت بودن این نقطه جغرافیایی در این زمان خبر می‌دهد. بنابراین، ذکر نام بوشهر در روایت نشان می‌دهد که روایت ساخته و پرداخته زمان شهرت بوشهر در ادوار متأخرتر بوده است. ظاهراً این شهر از زمان پادشاهی نادرشاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق) به بعد اهمیت و رونق یافت (مشایخی، ۱۳۸۳: ۲۳).

۴-۱-۴. پیروان نظریه همراهی حسین بن موسی با برادرش، احمد، به برخی واژه‌های مبهم در گزارش‌ها درباره حرکت سپاهیان احمد بن موسی برای جنگ با مأمون استناد کرده‌اند (عرفان منش، ۱۳۸۶: ۷۷). آنان از واژه‌های مبهم «الأقرباء» و «احفاد الاثمه الطاهرین» به این نتیجه رسیده‌اند که احتمالاً حسین بن موسی و محمد بن موسی، برادران احمد، نیز در این سپاه حضور داشته‌اند (مشایخی، ۱۳۸۳: ۷۸).^۱ در یکی از این گزارش‌ها که مؤلف اعیان الشیعه آن را از کتاب لب الانساب نقل می‌کند، آمده است: احمد بن موسی «در بغداد ساکن بود و هنگامی که شنید چه اتفاق هولناکی برای امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) رخ داده، تا حدّ زیادی محزون شد و به شدت گریست و از بغداد برای خونخواهی آن حضرت بیرون آمد و ۳۰۰۰ تن از نوادگان ائمه طاهر همراهش بودند و قصدشان، جنگ با مأمون بود و چون به قم رسیدند کارگزار قم از سوی مأمون با ایشان جنگید و گروهی از ایشان به شهادت رسیده و در همان جا به خاک سپرده شدند و ... هنگامی که به اسفراین از ناحیه خراسان رسیدند، در شوره‌زاری میان دو کوه فرود آمدند. سپاهیان مأمون به ایشان یورش برده، با ایشان جنگیده و آنان را کشتند و احمد به شهادت رسید و قبرش در آن جاست و زیارت می‌شود و برخی از نسب‌شناسان قبر و مزار او را در شیراز می‌دانند و این دیدگاه که شهرت دارد، از اشتباه‌های عوام است» (امین، ۱۳۸۰ق، ج ۳: ۱۹۲). بنابراین، چنانکه اخوان مهدوی نیز اشاره کرده (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۰)، نام حسین بن موسی (علیه السلام) در هیچ روایتی به صراحت در ردیف همراهان

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۰).

احمدبن موسی نیامده است.

۴-۱-۵. اختلاف گزارش‌های موجود درباره کوچ و لشکرکشی احمد و همراهانش به ایران در مبدأ و مقصد حرکت، شمار سپاهیان احمد بن موسی، محل جنگ و شهادت آنان (ن.ک: گزارش‌ها در صفحات پیشین) می‌تواند نشانگر ضعف روایت اصلی بوده و حرکت آنان به سوی شیراز یا قم و اسفراین و به تبع، قتل ایشان در آن جایگاه‌ها را در معرض تردید قرار دهد.

۴-۱-۶. چنانکه گفته شد، شیرازنامه ابن زرکوب که همراه با شد الإزار به عنوان قدیم‌ترین منابع درباره مقابر احمد و برادرانش، حسین و محمد در شیراز شمرده می‌شوند، به کاروان مد نظر، علت مهاجرت، جنگ و نوع درگذشت آن‌ها اشاره نکرده و تنها به چگونگی شناسایی جسد احمد اشاره داشته و درباره برادرانش، حسین و محمد، تنها از نشانه مقبره ایشان سخن گفته است (ابن زرکوب شیرازی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

۴-۲. مدفن و مقبره حسین بن موسی (علیه السلام)

پیش از سخن درباره اشکالات و نکات مربوط به گزارش‌های موجود در باب آشکار شدن مدفن، لازم است به نخستین افزوده‌های داستان در این موضوع اشاره شود. نخستین علایم جعل داستان در سده ۸ قمری و در شد الإزار مشاهده می‌شود. نویسنده این اثر است که برای اولین بار موضوع نور تپه باغ قتلخ را پیش کشیده است. افزون بر آن، او به غلط از عزیمت احمد و یارانش به فارس برای نبرد با مجوسان سخن گفته است (ن.ک: ذیل «گزارش‌ها...»).

۴-۲-۱. گویا اخبار پیدا شدن جسد علاءالدین حسین در منابع سده ۸ قمری و به تبع آن سده ۱۴ قمری در حقیقت به یافت شدن جسد احمد بن موسی مربوط است. در گزارش آشکار شدن جسد احمد نیز عناصری مشابه مانند باغ، باغبان، ساطع شدن نور و... به

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۳).

چشم می خوردن. ک: فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۴۴-۴۴۵؛ ابن زرکوب شیرازی: ۱۳۹۰: ۱۹۶-۱۹۷؛ ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۲۹۶، ج ۲: ۱۴۸). مؤلف چلچراغ شیراز نیز با بیانی دیگر این امر را بازگو کرده است (عرفان منش، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

۴-۲-۲. منابع درباره چگونگی شناسایی هویت حسین بن موسی (علیه السلام) پس از یافت شدن جسد در باغ مذکور خاموش‌اند و با فرض جعلی نبودن گزارش، ظاهراً آن جسد به مناسبت آرمیدن در نزدیکی قبر احمد بن موسی به برادرش، حسین، انتساب یافته است.

۴-۲-۳. اگر داستان کشف جسد حسین بن موسی را به سبب اشتغال بر عناصر فراطبیعی به کلی و از اساس مردود ندانیم، پرسش دیگر درباره این داستان افسانه‌گون آن است که چرا نور تپه یاد شده به مدت چند صد سال از چشم دیگران پنهان مانده بود.

۴-۲-۴. منابع یاد شده در سخن از آن جسد، از او با نام علاءالدین حسین یاد کرده‌اند و این شاید حکایتگر تردید آنان در انتساب آن به حسین بن موسی (علیه السلام) باشد. گفتنی است که القابی از قبیل «علاءالدین» در اوایل سده ۳ قمری در زمان حیات حسین بن موسی به کار نمی‌رفته است و کاربرد این لقب برای حسین بن موسی نشان می‌دهد که این اطلاق از سوی منابع متاخر اتفاق افتاده است. به نوشته شیمیل، القاب مرکب از اسم و «الدوله و الدین» در زمان سلطنت آل بویه و از سوی خلیفگان عباسی به وزیران و رهبران سیاسی اعطا می‌شد و دیری نگذشت که القابی با ترکیب اسم و واژه «الدین» نیز به کارگزاران حکومتی، دانشمندان و قضات و عمدتاً به مقامات مذهبی داده شد. به نوشته او پس از سال ۶۰۰ قمری گونه اخیر القاب بدون توجه به مقام و موقعیت و ویژگی‌های افراد به آنان اعطا می‌شد (ن. ک: شیمیل، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۶).

۴-۲-۵. چنانکه گذشت، برخی آثار مانند لب الانساب و مدینه‌الحسین تنها به همراهی محمد با برادرش، احمد (علیه السلام)، در عزیمت به سوی فارس اشاره کرده‌اند. در حدود اواخر سده ۱۱ قمری یا اوایل سده بعد، سید نعمه الله جزائری (د. ۱۱۱۲ق) نیز در الأنوار

النعمانیّه تنها از مرقد‌های آن دو در شیراز یاد کرده و از مرقد حسین ذکری به میان نیاورده است (جزایری، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۸۰).^۱ با این همه، حتی درباره همراهی محمد با احمد نیز تردید شده است (رحمتی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۸).

۴-۲-۶. در سده ۸ قمری ابن بطوطه در سفرنامه خود از فرزندان مدفون موسی بن جعفر (علیه السلام) در شیراز، تنها به مقبره احمد بن موسی اشاره کرده و سخنی از حسین بن موسی به میان نیاورده است (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۴۷).^۲

۴-۲-۷. در گزارش بحر الانساب به ساخت مقبره حسین بن موسی در زمان اتابک اشاره شده است. چنانکه در ادامه به تفصیل گفته می‌شود، اتابک یا قتلغ همان ابوبکر بن سعد بن زنگی (حک: ۶۵۸-۶۲۳ق)، اتابک سُلغری فارس، بوده است. بنابراین، آن گزارش قدمت مقبره را به نیمه نخست سده ۷ قمری می‌رساند. با این همه، قدمت آرامگاه علاءالدین حسین در شیراز را از منظر باستان‌شناسی، به قرن ۱۰ قمری رسانده اند (مصطفوی کاشانی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۲۰؛ مشکوتی، ۱۳۴۹: ۱۳۳-۱۳۴).^۳ از این رو، با آنکه گزارش سلطان الواعظین اشکالات متعددی دارد، گویا در این زمینه به درستی از ساخت مقبره در زمان صفویه سخن به میان آورده و در این موضوع دست کم می‌توان گفت که این گزارش با یافته باستان‌شناسی مذکور تضادی ندارد.

۴-۳. دیگر اشکالات تاریخی و محتوایی

۴-۳-۱. اشکالات متعدّد درباره قتلغ خان: در حکایت محل بحث حکمرانی به نام قتلغ خان دیده می‌شود. اشکالاتی در باب او در این حکایت وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. ذکر نام او در مواضعی از گزارش‌های مختلف حاکی از ضعف و آشفتگی اصل حکایت است. نام او در برخی از گزارش‌ها به عنوان امیر مصاف داده با احمد و یارانش و در برخی دیگر، به عنوان حکمران شیراز در زمان یافت شدن جسد

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۷).

۲. همان: ۵۷.

۳. همان: ۵۸.

حسین بن موسی و گاه به عنوان بانی آرامگاه بر مزار وی معرفی شده است. در این میان، مسلم است که در منابع متقدم در سده ۸ قمری نام قتلغ به عنوان امیر مأمون یا حکمران شیراز که با احمد و یارانش مصاف داده، مطرح نشده است و چنانکه از نظر گذشت، این موضوع تنها در آثار متأخر سده ۱۴ قمری در شب‌های پیشاور و آثار العجم دیده می‌شود. نکته عجیب‌تر آنکه در گزارش فرصت حسینی شیرازی و سلطان الواعظین نام وی هم به عنوان امیر مأمون و هم به عنوان حکمرانی که در زمان او جسد حسین یافت شده، آمده است. به هر روی، با توجه به آشفتگی فراوان و تفصیل بسیار گزارش‌های منابع متأخر نسبت به گزارش منابع متقدم، به نظر می‌رسد این گزارش‌ها در منابع متأخر تا حدودی با روایات شفاهی محلی همراه شده است. در این میان، نظر به وجود سلسله‌های ترک تبار در قرون متأخر در ایران (ن.ک: پاراگراف بعدی)، منطقی است که قتلغ را امیر شیراز در زمان یافت شدن جسد بدانیم و از همین رو، به نظر می‌رسد اندیشه جنگ احمد و یارانش با قتلغ و شهادت ایشان به دست وی از روایات شفاهی عامه و باورهای عامیانه به منابع مکتوب راه یافته است.

افزون بر آنچه گفته شد، قتلغ به معنی مبارک و فرخنده، نامی ترکی است و از این رو، بعید است شخصیت موسوم به این نام در حکایت، حکمران شیراز در زمان مأمون یا یکی از امرای خلیفه بوده باشد. بردگان ترک از زمان مأمون و در شماری محدود، به عنوان سپاهیان خلیفه به جهان اسلام وارد شدند؛ ولی به نظر نمی‌رسد شمار و پایه ایشان در این زمان به آن جا رسیده باشد که به عنوان امیر مطرح شده باشند. به مرور زمان و پس از خلافت معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق) و واثق (۲۲۷-۲۳۲ق)، ترکان برخی از رده‌های فرماندهی سپاه را اشغال کردند و سپس چنان قدرتی به چنگ آوردند که گاه خلیفه‌ای را از تخت برمی‌داشتند و دیگری را بر جای او می‌نشاندند (ن.ک: خضری، ۱۳۸۸: ۸۸-۸۷).

با این همه، در این جا پرسش اساسی هنوز بی‌پاسخ مانده و آن هویت حقیقی قتلغ خان است. گویا مقصود از قتلغ خان در گزارش‌های موجود، امیر مشهور سلسله اتابکان سُلغُری فارس، ابوبکر بن سعد بن زنگی (حک: ۶۲۳-۶۵۸ق) است. آبادی و امنیت فارس در دوره او سبب شد او گتای (حک: ۶۲۶-۶۳۹ق / ۱۲۲۹-۱۲۴۱م)، خان بزرگ مغول او را به لقب

قتلغ خان (یعنی خان مبارک و فرخنده) مفتخر سازد (زرین کوب، ۱۳۹۱: ۵۷۴). شیرازنامه ابن زرکوب شیرازی (د. ۷۸۹ق)، از قدیمی‌ترین منابع در موضوع حاضر و بحر الانساب از آثار سده ۱۴ قمری، از عنوان مطلق «اتابک» در این حکایت استفاده کرده‌اند. بر پایه آنچه گفته شد، اتابک و قتلغ خان دو لقب برای ابوبکر بن سعد بوده است. با در نظر گرفتن این نکته، جالب است که در گزارش‌های آن دو اثر، از «قتلغ» به عنوان امیر شیراز یا مصاف‌دهنده با سپاهیان احمد یاد نشده و نام وی صرفاً در زمان سخن از یکی از محلات شیراز به نام «محلّه باغ قتلغ» به میان آمده است.

۲-۳-۴. چنین می‌نماید که خلط دو عنصر از گزارش‌های مختلف سبب شده است که سلطان الواعظین از اقامت حسین در باغی در نزدیکی قتلغ سخن به میان آورد. از یک سو، در گزارش شب‌های پیشاور نام قتلغ به عنوان امیر کارزار با احمد آمده و از سوی دیگر، در برخی از دیگر گزارش‌ها می‌خوانیم که جسد حسین در محلّه‌ای به نام «محلّه باغ قتلغ» آشکار شده است. چگونه می‌توان پذیرفت که حسین مدتی را در باغی در کنار دشمن خود و بی‌سرپناه سپری کرده باشد.

۳-۳-۴. در برخی گزارش‌های مد نظر علت به راه افتادن کاروان خونخواهی امام هشتم (علیه السلام) اعلام شده است. چنانکه پیشتر نیز اشاره شده (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۷)، چگونه می‌توان پذیرفت که کاروانی برای کارزار و خونخواهی به راه افتد و ضمناً اعضای این کاروان اهل و عیال خویش را با خود همراه کرده باشند. بنابراین، حضور زنان و فرزندان در این کاروان دلیلی بر نادرستی ادعای خونخواهی است.

۴-۳-۴. نویسنده شدالآزار دلیل حرکت احمد بن موسی و همراهانش را «قتال با مجوسیان» دانسته است. چگونه می‌توان پذیرفت که احمد قصد حمله به زرتشتیان اهل ذمه را داشته باشد و اساساً چرا باید او بدون دلیلی موجه، برای نبرد با ایشان از موطن خود یا بغداد به راه افتد؟ افزون بر آن، به فرض پذیرش آنکه زرتشتیان لایق کیفر و جنگ بوده‌اند، وظیفه نبرد با گروه‌ها و جماعات دینی مانند زرتشتیان به عهده چه کسانی بوده است. احمد که سمتی حکومتی نداشته است، چرا باید قصد نبرد با زرتشتیان را

داشته باشد. بر این مطالب باید افزود که گزارشی درباره شورش زرتشتیان فارس در اوایل سده دوم وجود ندارد.

۴-۳-۵. مؤلف بحرالانساب عزیمت سپاه احمد بن موسی را همزمان با آغاز ولایت‌عهدی امام رضا (علیه السلام) دانسته است. از آنجا که این گزارش و دیگر گزارش‌های مورد بحث، از شهادت خویشاوندان امام خبر می‌دهد، این شهادت نمی‌تواند در زمان ولایت‌عهدی آن حضرت اتفاق افتاده باشد؛ بلکه اگر اساس قیام احمد و علویان همراهش پذیرفته شود، به نظر می‌رسد بهتر است وقوع آن را در زمان تغییر سیاست‌های مأمون نسبت به علویان و امام رضا (علیه السلام) بدانیم.

۴-۳-۶. میدان نبرد احمد و سپاهیان امیر شیراز در شب‌های پیشاور «خان زنیان» دانسته شده است. این مکان در آثار عجم به غلط، خان زینال آمده است. فارغ از آنکه منبع نویسندگان این دو اثر در ذکر روایت چه بوده، سخن آن‌ها در این باره نیز خالی از اشکال نیست و با آنکه هر دو با نسبت «شیرازی» شناخته می‌شده‌اند، از بی‌دقتی ایشان در نقل روایت حکایت می‌کند. در روایت آن دو، «خان زنیان» در هشت فرسخی شیراز (تقریباً معادل ۴۸ کیلومتر) دانسته شده است؛ اما این مکان که اکنون به شهری بدل شده، در فاصله ۳۰ کیلومتری جنوب‌غربی شیراز معادل پنج فرسخی آن واقع است (سایت سیری در ایران، ۱۱ خرداد ۱۳۹۵). با این وصف، گزارش بحر الانساب نیز که بدون نام بردن از مکانی خاص، از فاصله دوفرسخی مکان نبرد با شیراز سخن به میان آورده، هم نادرست است و هم به نوبه خود نشانگر نمونه‌ای از اختلاف روایات است. جدا از نادرستی این گزارش، اختلاف‌هایی از این دست در این گزارش‌ها می‌تواند به عنوان یکی از دلایل ضعف اصل روایت مصاف احمد و حاکم شیراز دانسته شود.

۴-۳-۷. گزارش بحر الانساب درباره سن حسین بن موسی در هنگام شهادت نادرست است؛ زیرا از آنجا که منابع انساب از همسر و فرزندان وی خبر داده‌اند، نمی‌تواند در آن زمان ۱۳ سال داشته باشد (مروزی، ۱۳۶۷: ۲۱).

۴-۳-۸. در گزارش آثار عجم آمده است که احمد در خلافت هارون (خلافت: ۱۷۰-۱۹۳ق)

راهی خراسان شد تا به خدمت برادر برسد و مأمون که مطلع شد، قتلخ خان را مأمور دستگیری او کرد. ناگفته پیداست که امام رضا (علیه السلام) در زمان هارون در خراسان به سر نمی‌برده است.

۳-۹. برخی معاصران از تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی (سده ۸ ق) به عنوان یک متن مهم و نسبتاً کهن برای اثبات دفن حسین بن موسی در شیراز بهره برده‌اند (اسلامی، ۱۳۸۲: ۲۴-۲۷). نخست آنکه این سخن با آنچه خود حمدالله مستوفی در کتاب دیگر خود، نزهة القلوب، آورده (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۶)، تناقض دارد. دیگر آنکه او در کتاب اخیر در ذکر آرامگاه‌های شیراز تنها به احمد بن موسی و برادرش، محمد، اشاره کرده و از حسین سخن نگفته است (همان). افزون بر آن، به نظر می‌رسد که دست کم اطلاعات او از آرامگاه‌های شیراز دقیق نیست؛ زیرا او مدفن بسیاری از فرزندان امام کاظم (علیه السلام) را شیراز دانسته است و شگفت‌آور آنکه در میان آن‌ها امام رضا (علیه السلام) را نیز نام برده است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۰۴).^۱

۳-۱۰. قدیمی‌ترین گزارش‌ها دربارهٔ دفن حسین بن موسی (علیه السلام) در شیراز، چنانکه گفته شد، به سده ۸ قمری تعلق دارد؛ در حالی که منابع متقدم در سده‌های پنجم و ششم، از دفن این امامزاده در طبرس سخن گفته‌اند (مروزی، ۱۳۶۷: ۲۱-۲۲؛ فخررازی، ۱۳۷۷: ۱۱۳).

گفتنی است که اخوان مهدوی در نقدهای وارد شده بر این گزارش‌ها، فرار احمد و برادرانش و زندگی مخفیانه ایشان پس از کارزار با والی شیراز را نیز غیرمنطقی دانسته است؛ در حالی که به فرض پذیرش حکایت، فرار و مخفی شدن احمد و برادرانش پس از شکست در میدان کارزار و یأس از پیروزی قطعی، چندان غیرطبیعی به نظر نمی‌رسد. او بر آن است که اگر بپذیریم که احمد بن موسی و یارانش خود قصد مقابله با کارگزاران خلافت عباسی را داشته‌اند، آیا منطقی است که او و برادرانش بعد از شکست فرار کنند و مدتی را مخفیانه به سر برند و سپس به شهادت رسند؟ (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۵۷-۵۸)

۱. نخستین بار اخوان مهدوی به این موضوع اشاره کرده است (اخوان مهدوی، ۱۳۹۲: ۴۸).

۵. هویت حسین مدفون در شیراز

نسب‌شناس معاصر، سید عبدالرزاق کمونه نجفی (۱۳۲۴-۱۳۹۰ق) ظاهراً براساس اطلاعات منابعی چون الانساب المشجره^۱، قبر منسوب به حسین بن موسی در شیراز را از آن حسین بن اسحاق بن موسی (علیه السلام) دانسته است. به نوشته کمونه، جمال الدین گرگانی در حاشیه خود بر بحر الانساب المشجر قبر حسین بن اسحاق بن موسی را در شیراز دانسته است (کمونه، ۱۳۸۹: ۱۶۱). عبدالرزاق کمونه درباره مطالب کتاب شیرازنامه نیز بر آن است که در گزارش شیرازنامه واسطه‌ای افتاده است و قبر آن امامزاده که در شیراز دیده می‌شود. در حقیقت مزار حسین بن اسحاق بن کاظم است.^۲ وجود اخلاقی از وی در شیراز و فارس قرینه‌ای بر صحت این مدعاست. از آن جمله، پسرش، سید شجاع‌الدین حسن صورانی بود که به نوشته ابن طباطبا، در شیراز و در باب اصطخر آن به شهادت رسید و بدنش در همان جا به خاک سپرده شد و سرش را به مقابر قریش بغداد حمل کردند (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۹۰؛ عمری، ۱۳۸۰: ۱۱۹). پسر دیگر او سیدعلی بهاء‌الدین نام داشت (محسنی، ۱۳۹۲: ۵۷). شجاع‌الدین حسن نواده‌ای به نام محمد صورانی ملقب به ابن سبّه داشت که به نوشته عبدالرزاق کمونه، در شیراز به شهادت رسید و مزارش در همان جا قرار دارد (کمونه، ۱۳۸۹: ۱۶۲). بنابراین، گویا پسر و برخی اخلاف حسین بن اسحاق بن موسی نیز در شیراز به سر می‌برده‌اند و از همین رو، شاید بتوان مزار علاء‌الدین حسین در شیراز را قبر حسین بن اسحاق بن موسی، نواده امام کاظم (علیه السلام) و برادرزاده احمد بن موسی و برادرش، حسین دانست.

نتیجه‌گیری

در فهرست خویشان امام رضا (علیه السلام) که به ایران کوچیده‌اند، نام حسین بن موسی (علیه السلام) نیز دیده می‌شود که علت مهاجرت وی به ایران مشخص نیست. از زندگانی او اطلاع چندانی

۱. در این اثر آمده است که ابوالقاسم حسین بن اسحاق بن موسی در شیراز دفن شده است (ص ۱۱۴).
 ۲. نخستین بار فقیه بحر العلوم به این موضوع اشاره کرده است (فقیه بحر العلوم، ۱۳۸۵: ۲۲۱).

در دست نیست؛ اما از قرار معلوم، سال‌های کودکی و جوانی و تا حدودی میان‌سالی خود را در مدینه گذرانده و سپس کوچیده و زندگی پنهانی خود را آغاز کرده است. افزون بر آن، با توجه به انتساب مرقدهایی در ایران بدو، اجمالاً می‌دانیم که در این سرزمین به سر برده و در همان جا به شهادت رسیده یا از دنیا رفته است؛ اگرچه مزاری در کوفه نیز به او نسبت داده شده است. اما پرسش اساسی درباره او آن است که در کدام شهر یا ناحیه ایران دفن شده است. یکی از دیدگاه‌های معروف در این زمینه، دفن او در شیراز است و اکنون نیز مزاری در این شهر به او نسبت داده می‌شود.

هواداران این نظریه به گزارش‌هایی استناد جسته‌اند که غالباً از سوی منابع محلی شیراز و نزد نویسندگان بومی حکایت شده است. این گزارش‌ها که کهن‌ترین آن‌ها در منابع سده ۸ قمری به چشم می‌خورد، در سده‌های بعد با شاخ و برگ بیشتری همراه شده است. برخی از معاصران نیز با استناد به مجموعه گزارش‌های موجود، به دفن حسین (علیه السلام) در شیراز معتقد شده و درباره آن قلم فرسوده‌اند.

گزارش‌ها درباره عزیمت کاروان احمد بن موسی به سوی شیراز و همراهی برادرانش، حسین و محمد با وی و آشکار شدن جسد حسین در باغی در شیراز از همان سده ۸ قمری با اشکالات تاریخی و محتوایی متعددی همراه بوده است. متن این گزارش‌ها به سبب افزوده شدن روایات شفاهی یا برخی گزارش‌های مکتوب ناشناخته، در منابع متأخر و معاصر به شکل محسوس با عناصر و موضوعات جدیدی همراه شده است. با این‌همه، خطاست که تصوّر شود متقدم‌ترین گزارش‌ها در این باره که به سده ۸ قمری تعلق دارد، عاری از اشکال بوده است. نخستین بار در شد الازار از منابع همین دوره، درباره موضوعات فراطبیعی یا نادرستی مانند مشاهده شعاع نور در باغ قتلغ و قصد احمد و یارانش برای نبرد با مجوسان سخن به میان آمده است.

به هر روی، اساسی‌ترین اشکال این گزارش‌ها که از جعل یا نادرستی کل یا بخشی از اصل خبر حکایت می‌کند، اختلافات فراوان موجود در متن آن‌هاست و از آن جمله، می‌توان به مبدأ و مقصد حرکت کاروان، شمار سپاهیان احمد بن موسی و محل جنگ و

شهادت آنان اشاره کرد. افزون بر آن، دعوت امام رضا (علیه السلام) از خانواده خود برای عزیمت به توس، ذکر نشدن گزارش در منابع پیش از سده ۸ قمری، بیراهه و پرت بودن مسیر حرکت کاروان احمد و برادرانش از حجاز تا فارس، سکوت گزارش‌ها درباره چگونگی شناسایی هویت حسین بن موسی (علیه السلام) پس از آشکار شدن جسد، پنهان ماندن نور تپه یاد شده از چشم مردم برای صدها سال، کاربرد لقب «علاءالدین» برای حسین در برخی از گزارش‌ها، نام نبردن برخی منابع از حسین بن موسی (علیه السلام) در زمره همراهان احمد، ذکر نشدن قبر او در شمار مزارهای امامزادگان شیراز، انتساب ساخت مقبره حسین به اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی معروف به قتلغ در برخی از گزارش‌ها و تقابل آن با یافته‌های باستان‌شناختی درباره قدمت آرامگاه علاءالدین حسین، اشکالات عمده و متعدّد گزارش‌ها پیرامون قتلغ‌خان، اعلام انگیزه «خونخواهی امام هشتم (علیه السلام) و جنگ با دشمنان امام» برای احمد و یارانش و تقابل آن با حضور اهل و عیال آنان در کاروان، ذکر «قتال با مجوسان» به عنوان دلیل حرکت کاروان، شهادت احمد و دیگر برادران امام مقارن ولایت‌عهدی آن حضرت، تعیین نادرست فاصله خان زنیان با شیراز در گزارش‌های متأخر، ۱۳ ساله دانستن حسین (علیه السلام) در زمان شهادت، عزیمت احمد و یارانش به خراسان در خلافت هارون، ذکر دفن حسین در طیس در منابع متقدّم از دیگر اشکالات عمده این گزارش‌ها یا دلایلی بر ردّ دفن امامزاده در شیراز است.

با پاسخ به مسئله دفن امامزاده حسین بن موسی در شیراز و ردّ آن، هنوز دو پرسش بی‌پاسخ مانده است: نخست آنکه حسین در کجا مدفون است و دیگر آنکه قبر منسوب به او در شیراز از آن کیست. پاسخ به سؤال نخست مجال دیگری می‌طلبد و برخی آثار اجمالاً بدان پرداخته‌اند. در پاسخ به سؤال دوم، نسب‌شناس برجسته، سید عبدالرزاق کَمّونه، با توجّه به قراین موجود و برخی از گزارش‌ها مزار منسوب به حسین بن موسی در شیراز را در حقیقت مزار برادرزاده اش، حسین بن اسحاق بن موسی (علیه السلام)، پنداشته است.

منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون اخبار الرضا (علیه السلام). ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید. تهران: صدوق.
- ابن بطوطه. (۱۷۴۱ق). رحله. تصحیح عبدالهادی تازی. ریاض: اکادیمیة المملكة المغربية.
- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله. (۱۹۹۲). المسالك والممالك. بیروت: دارصادر.
- ابن رسته، احمد بن عمر. (۱۸۹۲). الاعلاق النفیسه. بیروت: دارصادر.
- ابن زکوب شیرازی، احمد بن ابی الخیر. (۱۳۹۰). شیرازنامه. تصحیح و توضیح اکبر نحوی. شیراز: دانشنامهٔ فارس.
- ابن طباطبای، ابواسماعیل. (۱۳۷۷). منتقلة الطالبییه. تحقیق محمد مهدی سید حسن خراسان. قم: مطبعة حیدریه.
- اخوان مهدوی، علی. (۱۳۹۲). حسین بن موسی الکاظم (علیه السلام). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسلامی، غلامرضا. (۱۳۸۱). جلوه‌گاه نور: مجموعه‌ای مستند و تاریخی از شناخت شخصیت حضرت سید علاء‌الدین حسین معروف به آستانه. شیراز: تخت جمشید.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۹۲۷). مسالك الممالک. تحقیق ابوزید احمد بن سهل. بیروت: دارصادر.
- الانساب المشجره. (۱۳۹۱). به کوشش سید محمد صادق خرازی، شیخ شریف آل کاشف الغطاء و سیدعلی موجانی. تهران: عظام.
- امین، سید محسن. (۱۳۸۰ق). اعیان الشیعه. بیروت: مطبعة الانصاف.
- جزایری، سید نعمه الله. (۱۳۷۸). الانوار النعمانیه. تصحیح عمران علی غریب دوستی. تبریز: مکتب حقیقت.
- جنید شیرازی، جنید بن محمود. (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار (ترجمه شد الاثر). تصحیح و تحشیه عبدالوهاب نورانی وصال. شیراز: کتابخانه احمدی شیراز.
- خسروی، خسرو. (۱۳۷۷). «بوشهر». در دانشنامه جهان اسلام. ج ۴. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی. صص: ۵۷۵-۵۸۲.
- خضری، احمد رضا. (۱۳۸۸). تاریخ خلافت عباسی. تهران: سمت.
- رحمتی، محمد. (۱۴۲۰ق). انجاز العادات فی احوال السادات. قم: محمد رحمتی.
- رستگار، محمد حسین. (۱۳۸۱). شرح احوال و شخصیت حضرت حسین بن موسی الکاظم و دیگر امامزادگان شیراز. شیراز: ادیب مصطفوی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۱). روزگاران. تهران: سخن.
- سلطان الواعظین شیرازی. (۱۳۸۹). شب‌های پیشاور. تصحیح و ویرایش سید محمد باقر احمدی. قم: آل طه.
- شیرازی، محمد معصوم. (۱۳۸۲). طرائق الحقائق. تصحیح محمد جعفر محبوب. تهران: سنایی.
- شیمل، آنه ماری. (۱۳۷۶). نام‌های اسلامی. ترجمه گیتی آرین. تهران: کتابخانه ملی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. تعلیقات محمد باقر حسینی. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: موسسه آل‌البیته.
- عبیدلی، ابی‌الحسن محمد بن محمد. (۱۳۷۸). تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب. تحقیق شیخ محمد کاظم المحمودی. تحت اشرف محمود مرعشی نجفی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

- عرفان منش، جلیل. (۱۳۸۶). *چلچراغ شیراز*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- عمری، علی بن محمد. (۱۳۸۰). *المجیدی فی انساب الطالبین*. تحقیق احمد مهدوی دامغانی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۷). *الشجرة المبارکه فی انساب الطالبية*. تحقیق مهدی رجایی. تحت اشراف محمود مرعشی نجفی. قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- فرصت حسینی شیرازی، محمدنصیر میرزا آقا. (۱۳۷۷). *آثار عجم*. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- فقیه بحر العلوم، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*. قم: وثوق.
- قرشی، باقر شریف. (۱۴۱۳ق)، *حیة الامام موسی بن جعفر*. بیروت: دارالبلاغه.
- کرمی، محمد بن احمد. (بی تا). *احسن التقاسیم*. بیروت: دارصادر.
- کمونه، عبدالرزاق. (۱۳۸۹). *آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین*. ترجمه عبدالعلی صاحبی. چاپ سوم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مرتضی حسینی، جعفر. (۱۳۵۹). *زندگانی سیاسی هشتمین امام*. ترجمه سید خلیل خلیلیان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۳۹). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء.
- محسنی، مصطفی. (۱۳۹۲). *خورشید درخشان ساوه: زندگی نامه اسحاق بن موسی الکاظم (علیه السلام)*. قم: زائر.
- مروزی، اسماعیل. (۱۳۶۷). *الفخری فی انساب الطالبین*. تحقیق مهدی رجایی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. به اهتمام عبدالحسین نوابی. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۲). *نزّه القلوب*. تصحیح گای لسترنج. تهران: دنیای کتاب.
- مشایخی، عبدالکریم. (۱۳۸۳). «بوشهر». *دردانزه المعارف بزرگ اسلام*. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی. صص: ۲۶-۲۱.
- مشکوتی، نصرت الله. (۱۳۴۹). *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- مصطفوی کاشانی، محمدتقی. (۱۳۸۱). «باستانشناسی بناهای مذهبی». در مجموعه مقالات در زمینه باستان شناسی (مجموعه مقالات محمدتقی مصطفوی کاشانی). گردآوری مهدی صدری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. صص: ۱۰۲-۱۳۸.
- ملک الکتاب شیرازی. محمد بن محمد رفیع. (۱۲۹۶). *ریاض الانساب و مجمع الاعقاب معروف به بحرانساب* [چاپ سنگی]. بمبئی: مطبع داودی.
- منابع اینترنتی:
- سیری در ایران. (۱۱ خرداد ۱۳۹۵). «شهر خان زنیان». وب سایت سیری در ایران. تاریخ مراجعه ۱۱ خرداد ۱۳۹۵. نشانی پایگاه اینترنتی: <https://seeiran.ir/>